

جلسه ششم تقوا

«صفات متقین در خطبه همّام»

۱- اهمیت دادن به ماه‌های قمری و دعای ندبه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم «إِنَّ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^۱

روز اول سال است سالی که خدای تعالی و قرآن به رسمیت
شناختند و مردم هم که اگر مسلمان واقعی باشند باید این
ماه و این سال را به رسمیت بشناسند. زیرا تمام برنامه‌های
اسلامی اعمّ از وَفَیَات، موالید، آداب و ادعیه در ارتباط با

۱ - سوره مریم، آیه ۹۶.

همین ماه قمری است و حتّی مسأله حج که از بزرگ‌ترین اجتماعات اسلامی هست با ماه قمری باید تعیین گردد. مسئله روزه و ماه رمضان و شب قدر که تقدیرات انسان تعیین می‌شود، با ماه قمری باید تعیین گردد. لذا اگر ما مسلمان‌ها هم، مسلمان واقعی باشیم باید ماه قمری را اهمیّت بدهیم و بیشتر از ماه شمسی یا میلادی به آن توجه کنیم.

مسأله بعد که چند هفته‌ای هست خیلی من را رنج می‌دهد، چه در تهران و چه در اینجا و چه در جاهای دیگر که شنیده‌ام و هفته گذشته خیلی ناراحت بودم ولی به خاطر اینکه عید بود، نخواستم چیزی عرض کنم، آن مطلب این است که از هفته آینده یا برای دعای ندبه نمی‌آئید و خواننده

نمی‌شود در مجالس و یا باید همه اوّل وقت تشریف بیاورند.
چون دعای ندبه، دعای ندبه‌ای که بخصوص شما
می‌خوانید، مربوط به حضرت بقیة الله عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ است و این
تأخیر شما آن هم به طوری که همین امروز یکی از دوستان
می‌گفت: اوّل جلسه ما خیال کردیم جلسه را دوستان متوجه
نشوند که باید امروز اینجا بیایند الاّ دو یا سه نفری کسی
نیامده بود. ما برای تزکیه نفس شما در هفته اگر یک ساعت و
نیم از شما وقت بخواهیم که وقت صرف کنید، شما این وقت
را در اختیار نگذارید، از همین الان عرض می‌کنم تقاضا و
خواهش من این است که در مجلس تشریف بیاورید. من
نمی‌توانم ببینم که برای حرف‌های شاید یک مُشتش بیهوده و
بی‌سوادانه که من می‌زنم همه سر ساعت حاضر بشوند ولی

برای دعای ندبه‌ای که کلام، کلام امام صادق علیه السلام است، از دل پر عشق و پرمحبتِ دوستان امام صادق علیه السلام برمی‌خیزد و با خدای تعالی مناجات می‌کنند و من بررسی کردم دعای ندبه تمام کلماتش یا با آیات قرآن یا با روایات متواتره تطبیق می‌کند. شما ان شاء الله اگر خواستید دعای ندبه بخوانید، اگر تصمیم گرفته می‌شود امروز که دعای ندبه در این جلسات خوانده شود، ساعت ده که برای این جلسه می‌آید نیم ساعت جلوترش یعنی نه و نیم همه باید در جلسه حاضر باشند و من از همین جا عرض می‌کنم که ساعت نه و نیم در جلسه را می‌بندند و هر کس برای دعای ندبه نیامد برای جلسه ما هم نخواهد آمد و نمی‌توانیم او را بپذیریم و تا یک

مدّتی لااقل عادت کنند دوستان برای دعای ندبه حاضر شوند. باید در بسته شود.

و مسأله‌ای که خیلی مهم است تنظیم این جلسات است، که در بعضی از جاها شنیدم تنظیمی ندارد. ساعت نه تشریف می‌آورید که بتدریج تا نه و نیم جمع بشوید، بیست دقیقه دعای ندبه را با سرعت می‌خوانید، جدّاً جز دعای ندبه دعای دیگری حالا اگر فرصت بود تا ده دقیقه به ساعت ده فرصت بود بخوانید و الا لازم نیست. تنها اکتفاء کنید به همان دعای ندبه‌ای که با آن حال و شوق و شور می‌خوانید و ده دقیقه هم از دوستانی که آمده‌اند پذیرایی می‌شود و ساعت ده آن هم به خاطر اینکه مشهد تقریباً یازده و نیم ظهر است، به خاطر آنکه دوستانی که اهل نماز جمعه هستند به نماز جمعه برسند

ساعت یازده هم جلسه تمام می شود و به جای آنکه بیهوده،
که این یکی هم از مسائل بسیار پُر رنج برای من و برای
آن هایی که یک مقدار عقل داشته باشند؛ سالکین الی الله
آن هایی که ما خطاب به آنها در برداشت های قرآن می کنیم
که سالکین الی الله باید این طور و آن طور باشد، سالکین الی
الله متاسفانه به حرف های متفرق ایستاده و نشسته وقت شان
را در روز جمعه می گذرانند «ولایسعون الی ذکر الله» برخلاف
فرموده خدا سعی بسوی نماز و مقدمات نماز نمی کنند و آن
نیم ساعتی که می خواهند قبل از جلسه برای دعای ندبه
بیایند وقت شان را گاهی بیشتر صرف بیهوده می کنند. لذا
ان شاء الله از هفته آینده این مطالب باید عمل بشود و اگر
عمل نشود ما می توانیم مبارزه منفی بکنیم. مبارزه منفی ما هم

این است که پیش خدا عذر داریم که جلسات را ان شاء الله تعطیل کنیم. این هم مسأله‌ی مهمی که لازم بود تذکر بدهم.

۲- تقوا و خطبه همّام

در مسأله تقوا چند هفته بود که این نوشته‌هایی را که شاید بیست سال قبل من از خطبه همّام که حتماً خطبه همّام معروف است نزد اکثر دوستان نوشته بودم به عنوان نشانه‌های اهل تقوا و ظاهراً تا به حال برای شما این‌ها را به عنوان قطعنامه پایانی جلسات تزکیه نفس نخوانده باشم و چون زیاد است و بی‌جهت نبوده که همّام «صَعَقَ» دادی زد و نفسش در همان دادش از بدنش بیرون آمد و علی بن ابیطالب علیه السلام

فرمود: کلام حق این چنین در اهل حق تأثیر می‌کند. همّام
اسم شخصی است آمده بود خدمت علی بن ابیطالب علیه السلام و
عرض کرد: «صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ»^۲ برای من اهل تقوا را توصیف
کن. حضرت جنبه‌ای در او ندیدند و شاید برای ما مطلب را
فرموده‌اند و أَجَلِ او چه بهتر که در یک چنین حالتی در
محضر امیرالمومنین علیه السلام از بدنش بیرون بیاید و أَجَلِش
برسد. حضرت فرمودند: ابتداءً تقوا داشته باش و نیکی کن که
خدا اهل تقوا را دوست دارد. همّام به خاطر اینکه می‌دانست
که متّقین یک صفاتی دارند که همه ندارند. متّقین یک
کمالاتی دارند که همه ندارند. اصرار کرد آقا برای من صفات

۲ - نهج البلاغه، خطبه همّام، خطبه ۱۹۳.

متّقین را بیان کنید. من در این برداشت‌هایم از این خطبه‌ی
مهم هشتاد و سه مطلب بوده که نمی‌دانم امروز می‌توانم
با سرعت این‌ها را برایتان بخوانم و چون ضبط می‌شود بعدها
بگیرید و بادقت روی آن فکر کنید و ان شاءالله همه آن‌ها را در
خودتان پیاده کنید و آنچه که من منظورم از این چند هفته
درباره‌ی تقوا و خصوصیات تقوا بوده با ضمیمه‌ی آنچه را که
من معنا کردم درباره‌ی تقوا ان شاءالله عمل کنید. من تا یک
مقداری حالا ببینم وقت اگر باشد، خودم خسته نشوم، شما
که خسته نمی‌شوید چون من زحماتی کشیده‌ام و آخر برنامه‌ام
هست، ولی شما اول کارتان هست، اولین دفعه هست که
می‌خواهید این‌ها را از خطبه‌ای که علی علیه السلام خواندند در بین

جمع هم خوانده‌اند، برای یک نفر هم نخوانده‌اند گوش بدهید.

۳- صفات متقین در خطبه همام

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- اهل تقوا در دنیا دارای فضائلی هستند. این جمله‌ی اوّل علی بن ابیطالب علیه السلام است که «هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ» بعد می‌فرماید:

۲- «مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ» سخنان‌شان درست و راست و مطابق واقع است.

۳- در تمام کارها میانه رو و در صراط مستقیم دین هستند و آن‌ها از هر گونه افراط و تفریط دور هستند.

۴- روش خود را در تمام کارها تواضع قرار داده‌اند، من متأسفم که دوستان اهل تزکیه نفس این‌ها یک تکبری در این مدت پیدا می‌کنند، ما در مرحله‌ی بالا هستیم! مخصوصاً در بین خانم‌ها، او در مرحله‌ی پایین هست، ما سنمان این طور هست او سنش این طور هست، این را بدانید که همین حرف‌ها را هر کس بزند ولو اینکه در مرحله‌ی عبودیت هم باشد این شخص تزکیه نفس نکرده و هنوز از یقظه هم بیرون نیامده است. چون اهل تقوا روش خود را در تمام کارها تواضع قرار داده‌اند و از آنچه خدا برای آن‌ها حرام قرار داده چشم پوشی می‌کنند و به آن توجهی نمی‌نمایند.

۵- طالب علم نافع و مفیدی که به کمالات شان بیافزاید هستند و لذا به آن توجه کامل می کنند و به آن گوش می دهند.

۶- در مقابل بلاهای دنیا آنچنان راحت و آرام هستند که در مقابل خوشی ها و راحتی های دنیا آرام هستند.

۷- اگر خدای تعالی اجل معینی برای آن ها مقدور نفرموده بود به خاطر شوقی که به ثواب های الهی و ترسی که از مؤاخذه پروردگار دارند، حتی چشم بهم زدنی نمی ماندند و جان شان در بدن شان باقی نمی ماند.

۸- خدای تعالی در نظرشان بسیار عظیم و بزرگ است و هرچه غیر از او هست کوچک و حقیر است.

۹- آن‌ها در ارتباط با بهشت مثل کسی هستند که آن را می‌بینند و خود را به نعمت‌های آن متنعم مشاهده می‌کنند.

۱۰- آن‌ها در ارتباط با جهنم مانند کسی هستند که جهنم را می‌بیند و خود را در آن معذب مشاهده می‌کند.

۱۱- دل‌هاشان محزون است.

۱۲- مردم از شرّ آن‌ها در امان هستند.

۱۳- بدن‌هایشان لاغر، خواسته‌هایشان کم، عفت نفس دارند و چشم طمع به مال و مقام دیگران ندارند.

۱۴- به مشکلات چند روزه‌ی زندگی کوتاه دنیا به خاطر راحتی طولانی و ابدی آخرت صبر می‌کنند و در مقابل زحماتِ اطاعت و بندگی خدا و ترک گناه، بردبار و مصائب را تحمل

می نمایند. که امام علی^{علیه السلام} می فرماید: این ها دارای صبر و استقامت هستند، این تجارت پرسودی که پروردگارشان برای آن ها مهیا کرده است برای آن ها مفید است. دنیا آن ها را می خواهد ولی آن ها به دنیا توجه نمی کنند و دنیا را نمی طلبند، دنیا آن ها را می خواهد اسیرشان بکند ولی با قیمت جانشان از او دوری می کنند.

۱۵- شب ها برای عبادت به پا می ایستند و نماز شب می خوانند.

۱۶- آن ها آیات و اجزای قرآن را در شب تلاوت می کنند و در آن تدبر می نمایند و بوسیله ی آن خود را محزون می کنند و بوسیله ی خواندن قرآن دوی درد و روح شان را پیدا می کنند و

وقتی به آیه‌ای که در آن تشویقی است به طمع می‌افتند و جان‌هایشان آنچنان از شوق پرمی‌کشد که گمان می‌کنند به آن چشم دوخته‌اند و باید به بالا بروند. وقتی به آیه‌ای که در آن ترساندن از عذاب الهی هست می‌رسند، گوش دل را باز می‌کنند که گمان می‌کنند شعله‌های جهنم و نهیبش در باطن گوش‌شان طنین انداخته است.

۱۷- آن‌ها کمر را برای رکوع خم کرده و برای سجود پیشانی روی خاک گذاشته و دست‌ها و زانوها و سرانگشتان پا را بر زمین فرش کرده و از خدا می‌خواهند که آن‌ها را خدا از آتش جهنم نجات دهد. بهترین سجده این است که انسان در تمام کارهایش در تمام اینکه اعضاء سجده را روی زمین می‌گذارد،

بینی‌اش هم روی خاک بگذارد و تا ممکن است سینه‌اش را
به زمین نزدیک کند.

۱۸- آن‌ها روزها در مقابل ناملايمات حلم می‌کنند و دانشمند
هستند.

۱۹- آن‌ها نیکانی هستند که خود را از گناه نکه می‌دارند.

۲۰- ترس آن‌ها را همچون تیر تراشیده (یعنی باریک شده‌اند)
آنچنان لاغر و رنجورشان کرده که اگر کسی به آن‌ها نگاه کند
گمان می‌کنند که آن‌ها مریض هستند و حال آنکه آن‌ها
مریض نیستند و گاهی مردم می‌گویند که آن‌ها افکارشان
پریشان است و حال آنکه پریشانی آن‌ها به خاطر مسأله‌ی
بزرگی هست که درباره‌ی آن فکر می‌کنند.

۲۱- آن‌ها به اعمال و عبادت خود راضی نمی‌شوند و بلکه اعمال و عبادات زیاد خود را زیاد نمی‌دانند.

۲۲- آن‌ها همیشه خود را متّهم می‌دانند و از اعمال خود می‌ترسند.

۲۳- اگر کسی یکی از آن‌ها را پاک بداند و به پاکی او را معرفی کند از گفته‌ی او می‌ترسند و می‌گویند: من به حال خودم از دیگران آگاه‌ترم و پروردگار من به حال من داناتر است؛ خدایا من را به آنچه این‌ها می‌گویند: مؤاخذه نکن و من را بهتر از آنچه این‌ها گمان کرده‌اند قرارم بده و از آنچه این‌ها از اعمال بد من نمی‌دانند درگذر.

۲۴- از علایم متقین این است که آن‌ها را با قدرت و با قوت در
دین می‌بینید.

۲۵- دارای استقامت با ملایمت و محبت هستند.

۲۶- آن‌ها دارای ایمان بایقین کامل هستند.

۲۷- در بدست آوردن یقین بسیار حریص هستند.

۲۸- و با داشتن علم بسیار حلیم هستند.

۲۹- آن‌ها با داشتن ثروت میانه روی را از دست نمی‌دهند.

۳۰- آن‌ها در عبادت با خضوع و خشوع هستند.

۳۱- آن‌ها در عین فقر و فاقه خود را ثروتمند و خوش‌حال
معرفی می‌کنند.

۳۲- و در شدت ناراحتی صبر و بردباری را شعار خود قرار داده‌اند.

۳۳- آن‌ها فقط مال حلال طلب می‌کنند.

۳۴- آن‌ها برای هدایت خود خوشحال هستند.

۳۵- آن‌ها از طمع که انسان را پست می‌کند دوری می‌کنند.

۳۶- آن‌ها اعمال شایسته انجام می‌دهند ولی در عین حال می‌ترسند.

۳۷- روز را شب می‌کنند و حال آنکه هم‌شان شکر خدا است.

۳۸- شب را صبح می کنند و حال آنکه همّشان یاد پروردگار است.

۳۹- شب را با ترس می خوابند و صبح با خوشحالی برمی خیزند؛ برای اینکه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»^۳ وقتی که انسان می خوابد ممکن است روح انسان را نگه دارد و برنگرداند روح انسان را به بدن، لذا می ترسند که روحشان برنگردد و امتحانشان تمام نشده باشد ولی صبح که برمی خیزند می بینند هنوز در جلسه امتحان هستند، هنوز می توانند یک کاری بکنند خوشحال می شوند.

۳ - سوره زمر، آیه ۴۲.

۴۰- ترس‌شان به خاطر غفلتشان از خدا هست
و خوشحالی‌شان به خاطر فضل و رحمت خدا هست که به
آن‌ها می‌رسد.

۴۱- اگر نفسِ شخصِ متّقی در آنچه بر او سخت است فرمان
او را نَبُرد او هم در آنچه نفس دوست دارد اطاعتش را
نمی‌کند؛ اگر نفس شما از شما خواست که یک کاری را
بکنید و شما از نفستان خواستید که یک کاری را بکنند و او
سختش بود و فرمان نَبُرد، شما هم به هیچ وجه اطاعتش را
نکنید.

۴۲- روشنیِ چشمِ اهل تقوا در آن چیزی است که همیشه
خواهد بود و پایدار است. روشنیِ چشمِ اهل تقوا به قیامت

است و به آنچه که همیشه خواهد بود. شما چشم‌تان روشن می‌شود به خاطر یک فرض کنید مدرکی که می‌گیرید، یک اجازه اجتهادی که می‌گیرید، یک پست و مقامی که می‌گیرید؛ که این‌ها پایدار نیست و نسبت به چیزی که ناپایدار است بی‌اعتناء هستند.

۴۳- اهل تقوا حلم را آمیخته با علم می‌کنند و از آن استفاده می‌نمایند.

۴۴- اهل تقوا گفتار را با عمل هماهنگ نموده و هیچگاه خلاف آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند.

۴۵- آرزوهای دنیوی اهل تقوا نزدیک است. اهل تقوا آرزویشان چیست؟ اینکه به نِعَمِ آخرتی برسند که خیلی نزدیک است

«إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا»^۴ یا در آن آیه شریفه که می‌فرماید: «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً * وَنَرَاهُ قَرِيباً»^۵.

۴۶- لغزش‌های اهل تقوا کم است.

۴۷- قلوب اهل تقوا خاضع و خاشع است.

۴۸- اهل تقوا روح قانعی دارند.

۴۹- اهل تقوا خوراکشان کم است.

۵۰- کارها را سخت نمی‌گیرند و با آن‌ها به آسانی روبه‌رو می‌شوند.

۴ - سوره طه، آیه ۱۵.

۵ - سوره معراج، آیه ۶-۷.

۵۱- دینِ اهل تقوا از دستبرد شیطان محفوظ است؛ اگر شیطان گول تان زد بدانید هنوز تقوایتان کامل نشده است.

۵۲- اهل تقوا شهوت را در خود کشته اند، منظور از شهوت این است که انسان خواسته های دلش را همیشه انجام بدهد یعنی آقا چرا این کار را کردی؟ دلم می خواست، نباید اینکار و بکنی، شهوت را در خود کشته اند.

۵۳- اهل تقوا کظم غیظ می کنند.

۵۴- از اهل تقوا همیشه خیر و خوبی انتظار می رود.

۵۵- مردم از شرّ اهل تقوا در امان هستند.

۵۶- اگر اهل تقوا در میان مردم غافل باشند، یادِ خدا را فراموش نمی کنند، در یک مجلسی نشستید همه غافلین

نشسته اند و مشغول عیش و نوش هستند، اهل تقوا به یاد خدا هستند و نامشان در زمره‌ی غافلین قرار نمی‌گیرد و اگر در میان متوجّهین به خدا - یعنی کسانی که به یاد خدا هستند باشند - با آنها هستند و نامشان در زمره‌ی غافلین نخواهد بود.

۵۷- هر کس به آنها ظلم کند عفو می‌کند.

۵۸- و به آنها‌یی که محروم‌شان کرده‌اند عطا می‌کند.

۵۹- و کسی که با آنها قطع دوستی کرده این‌ها ارتباط برقرار می‌کند.

۶۰- از فحش دادن دور هستند. که روایت هم دارد، این خودش روایت هست ولی روایت دیگر هم هست که «لا یكون

المؤمن ثبّاباً ولا فحّاشاً» اگر دیدی کسی فحش داد حالا ولو خیلی هم غضب کرده فحش داد، فحش هم این است که چیزی که مناسب نیست به یک کسی انسان بگویند، به او نمی خورد، مثلاً فرض کنید به یک کسی می گویند: پدر سگ، خُب این پدرش هیچ وقت سگ نبوده، معلوم است که این فحش هست.

۶۱- کلامشان بامحبت و ملایم است. خیلی بامحبت صحبت می کنند. باملایمت صحبت می کنند. تا می توانند اخم به مردم بی جهت نمی کنند.

۶۲- اهل تقوا بدی هایشان پنهان و خوبی هایشان حاضر است، یعنی خودش را نشان می دهد.

۶۳- اهل تقوا خوبی هاشان به همه می رسد و بدی آنها را کسی ندیده است.

۶۴- اهل تقوا در سختی ها بردبار و در ناراحتی ها صبور هستند.

۶۵- اهل تقوا در خوشی ها شکور هستند.

۶۶- اهل تقوا بر دشمنان اِجحاف نکرده و به دوستان بدی نمی کنند.

۶۷- اهل تقوا قبل از آنکه علیه آنها کسی شهادت بدهد خودشان به کار بدشان اعتراف می کنند.

۶۸- آنچه به اهل تقوا بسپارند از بین نمی برند و نگهداری آن را برعهده می گیرند.

۶۹- آنچه را به اهل تقوا یادآوری کنند فراموش نمی‌کنند. از تذکرات مردم علاوه که بدشان نمی‌آید همیشه هم به یادشان هست، خدا رحمت کند فلانی را به من این طوری می‌گفت، آن طوری می‌گفت، با من تندی کرد، چوبِ استاد به زِ مهرِ پدر، گاهی ما را تنبیه می‌کرد که چرا این کار را کردی. فراموش نمی‌کنند.

۷۰- اهل تقوا مردم را با لقب‌های بد نام نمی‌برند. خیلی دقت کنید با لقبِ بد «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ»^۶.

۷۱- اهل تقوا به همسایه‌ها بدی نمی‌کنند و به آن‌ها ضرر نمی‌زنند.

۶ - سوره حجرات، آیه ۱۱.

۷۲- اهل تقوا مصیبت دیدگان را شماتت نمی‌کنند. مثلاً یک دشمنی داشتید این حالا مرده با بدبختی هم مرده، بروید به بچه‌هاش بگویید: دیدید آخرش حق با ما بود.

۷۳- اهل تقوا در کارهای بیهوده و باطل وارد نمی‌شوند. هر کلمه‌ای که حضرت امیر می‌فرمود یک ضربه شدیدی بود برای آن بیداری که در کنارش ایستاده بود که من چرا این طور نیستم.

۷۴- اهل تقوا از حق و حقیقت بیرون نمی‌روند. حالا این بچه‌ی من هست طرفداریش بکنم ولو ناحق! آن برادر من هست طرفداریش کنم ولو ناحق!

۷۵- اگر سکوت کند، کم حرفی او را محزون نمی‌کند، یک ساعت بنشیند، ای بابا ما چرا بیکار نشستیم، خب فکر کن.

۷۶- اهل تقوا اگر بخندند با قَهقهه و بلند نمی‌خندند و صدایشان را به خنده بلند نمی‌کنند. چون قَهقهه و خنده بسیار بلند کراهِت دارد مگر حالا یک وقتی ناآگاهانه، ناخودآگاه باصطلاح، یک چیزی گفتند خیلی خندش گرفت خُب از دست خودِ انسان خارج است.

۷۷- اگر بر اهل تقوا ظلم و تجاوزی بشود صبر می‌کنند. تا آنکه خدای تعالی انتقام‌شان را از ظالم بگیرد. می‌سپارند به خدا «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا»^۷ من دوسه روز قبل

۷ - سوره حشر، آیه ۱۰.

در همین جا گفتم: اگر انسان از کسی ناراحتی دارد، اذیتش کرده، مردم آزاری هست، بسپاردش به خدا، حضرت سید الشُّهدا علیه السلام می‌توانست با یک اراده شمر و یزید و همه دشمنانش را از بین ببرد، ولی خدا باز بهتر از این آن‌ها را عذاب می‌کند.

۷۸- اهل تقوا خود را به زحمت می‌اندازند و نمی‌گذارند مردم از آن‌ها ناراحت شوند.

۷۹- اهل تقوا خود را برای آخرتشان به زحمتِ عبادت و بندگی وادار می‌کنند.

۸۰- مردم را از شرّ خود در امان قرار داده‌اند.

۸۱- دوریِ اهل تقوا از مردم به خاطر بی‌اعتنایی به دنیا و پاکی آن‌ها است، و الاّ بی‌جهت از مردم دوری نمی‌کنند.

۸۲- نزدیک شدنِ اهل تقوا به مردم به خاطر محبّت به آن‌ها و اظهار لطف به آن‌ها است.

۸۳- دوریِ اهل تقوا از مردم به خاطر تکبر و عظمت دادن به خود نیست. نزدیک شدنِ اهل تقوا با مردم به خاطر مکر و گول زدن آن‌ها نمی‌باشد.

هشتاد و سه جمله برای‌تان خواندم. آن‌هایی که نوشته‌اند که نوشتند، آن‌هایی هم که ننوشتند نوارش را بگیرند و گوش بدهند و ان‌شاءالله همه‌تان این مطالب را برنامه‌ی زندگی

خودتان قرار بدهید، این یک قطعنامه‌ای هست که ان شاء الله
برای داشتن تقوا باید همه شماها داشته باشید.

۴- سرمایه انسان برای سیر الی الله

اینجا که رسید حالا شایدم باز علی بن ابیطالب علیه السلام
می‌خواست بیشتر از این درباره‌ی اهل تقوا حرف بزند، اینجا
که رسید «فَصَعِقَ هَمَّامٌ» هَمَّام همین طور که نشسته بود
رنگش پرید؛ آدم بیدار این طوری هست؛ آدمی که جدی
هست در مسأله معنویات و تزکیه نفس این طوری هست. اگر
آن آجلی که خدا مقدر کرده برای اهل تقوا نمی‌بود، «لَمَّا تُوا

شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ»^۸ این‌ها به خاطر ثوابی که خدا برای آن‌ها تعیین کرده فوراً می‌مردند؛ ما اینجا چکار می‌کنیم؟ این دنیا چیست؟ چقدر ارزش دارد؟ من نمی‌خواهم شماها را از دنیا دورتان کنم بلکه اصرار من این است که دنیا را به اندازه خودش، آخرت را هم به اندازه‌ی خودش قدر بدانید. همین امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام که درباره متقین این فرمایشات را فرموده، در همین نهج البلاغه می‌فرماید: دنیا «وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»^۹ دنیا محل تجارت اولیاء خدا است، شما آمدید اینجا تجارت کنید؛ سرمایه‌تان چیست؟ کسب و کارتان چیست؟ سرمایه‌ای که آوردید با آن تجارت کنید

۸ - خطبه همام.

۹ - نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

چیست؟ آن سرمایه عمرتان هست، لذا وقت طلا است. یک لحظه بنشینید با افراد غافل شما را از بین می‌برند یعنی سرمایه‌تان را از بین می‌برند. کوشش بکنید این سرمایه را آسان از دست ندهید.

کوشش کنید ان شاء الله تا می‌توانید، زحماتی کشیده شده، شاید من خودم نتوانم این زحمات را برای شما توضیح بدهم. من خودم در همین سایتی که هست شرح زندگی خودم را می‌خواستم بنویسم، می‌بینم از سن چهارده سالگی، هم عکس دارم، هم شاهد دارم، هم شما می‌بینید که زیاد بی‌استعداد و کم حافظه نیستم. از آن موقع مشغول تحصیل هستم، تحصیلات متفرقه هم نکردم حتی اگر یک مقداری پیش یک استاد فلسفه‌ای خواندیم به خاطر اینکه بفهمم

آن‌ها چه می‌گویند، منطق خواندم به خاطر اینکه ببینم آن‌ها
 چه می‌گویند و تمام فکرم قرآن و آیات و روایات بوده،
 می‌توانستم من کاری بکنم که امروز این اندازه خودم را به
 زحمت نیاندازم. کاری که به نظر من بعدها شاید؛ که
 امیدواریم بعدهایی نداشته باشد، حضرت بقیه الله عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ
 تشریف بیاورند و همه باصطلاح دست کشیدن‌های ما را در
 تاریکی ایشان با آن چراغ پرنور علم الهی که در قلب
 مقدس‌شان هست تمام جاها را روشن کنند و اشتباهات ما را
 برطرف کنند. ولی از آیات و روایات این برنامه‌ی تزکیه نفس را
 تهیه کردیم؛ این عقائد را خلاصه کردیم و در تمام این مدت
 زحمات من روی این مسائل بوده و لذا خیلی دوستانی که

بی توجهی به این مسائل می کنند، به من نه، ولی به آیات و روایاتی که خلاصه شده ظلم می کنند.

۵- اهمیت دادن به دعای ندبه

اینکه می بینید من می گویم خیلی متأثر شدم برای اینکه شما در دعای ندبه شرکت نکردید و در این جلسه شرکت کردید حُب بعضی ها ممکن است مشکلاتی داشته باشند نتوانند زود خودشان را برسانند ولی اگر به فکرش باشند، اگر اهمیت به امام زمانشان بدهند، اگر حتی یک جمله از این دعای ندبه را متوجه باشند که دارند با چه کسی صحبت می کنند،

«اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلَوَى»^{۱۰} همه‌ی ماها یک ناراحتی‌هایی داریم باید در خانه‌ی چه کسی رفت؟ چه بکنیم؟ در مقابل این مشکلات دنیا که دنیا یک جایی هست که مهفوف پیچیده شده به بلاها و ناراحتی‌ها «دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ» در این دنیا چه باید بکنیم؟ چه کسی «كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلَوَى» (دعای ندبه) است؟ شما در هر نماز می‌گویید: «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خدایا من یاری از تو می‌خواهم از تو کمک می‌خواهم.

۱۰ - دعای ندبه.

۶- حدیث سلسله الذهب

درهمین آیاتی که امروز تلاوت شد و شما مقید شدید یک هفته این آیات را بخوانید، می بینید یک آیه، دیشب هم اتفاقاً در مجلسِ منزلِ ما، همین آیه مورد بحث واقع شد، «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^{۱۱} کسانی که ایمان بیاورند، این جمله معنایش این است که اعتقادات صحیح دارند و به این اعتقادات صحیح آرامش پیدا کرده اند، چون بعضی وقت ها هست که انسان اعتقاداتش خوب است ولی نمی داند که آیا اشکالی، شبهه ای گوشه اش باشد یا نباشد. آیا آن دسته درست می گویند یا این دسته درست می گویند؟ کنار این

۱۱ - سوره کهف، آیه ۱۰۷.

حرف‌ها خیلی مسائل هست. کنار همین اعتقادات شما
خیلی مسائل هست. کنار همین اعمال شما خیلی مسائل
هست، همه را انسان عقب زده باشد و به آن حقیقت رسیده
باشد، آرامش پیدا کرده باشد. شما مثلاً فرض کنید در وسط
زلزله شدید که همه دارند از بین می‌روند، شما فرض کنید در
یک خانه آهنی که اگر این را به آسمان هم پیرانندش بعد
برگردد به زمین باز هم شما سالم هستید، ببینید چه آرامشی
پیدا می‌کنید. در یک چنین حصنی هستید. خدای تعالی
می‌فرماید: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ
مِنْ عَذَابِي»^{۱۲} این دنیا دنیائی هست که «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ

۱۲ - الوافی، ج ۹، ص ۱۴۶۰.

زَلَّالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا»^{۱۳} دنیا یک زلزله گاهی هست حالا ماها را الآن تکان نمی دهد امّا تا یک ساعت دیگر چطور؟ معلوم نیست. این مردم کنار دریا را، در دریا زلزله می شود آبش می آید می ریزد رو این ها همه را از بین می برد، دویست هزار جمعیت می میرند، زلزله بم که شماها دیدید، خُب آن ها شب خوابیدند اصلاً هم فکر اینکه زلزله بشود نمی کردند صبح با جنازه های دوستان و عزیزان شان روبه رو شدند. اگر می خواهید تو حصنِ حصینِ پروردگار واقع بشوید که زلزله هم که شد این جعبه ای که شما داخل آن هستید پیرانند بالا باز بیافتد روی زمین شما اصلاً دردتان نیاید،

۱۳ - سوره زلزال، آیه ۱-۲.

داخلش هم طوری تنظیم کرده باشند از پنبه و امثال این ها که ناراحت نشوید، این چیست؟ خدا می گوید. این روایت تواتر دارد. در تمام کتب اهل سنت و شیعه همه نوشته اند که: «کلمه لا اله الا الله حصنی» این همان جعبه است، همان خانه است، «فمن دخل حصنی امن من عذابی» از عذاب زلزله «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ»^{۱۴} انسان در امان است، نمی خواهید در امان باشید؟ اگر نمی خواهید خودتان می دانید، اگر می خواهید در امان باشید اعتقاداتتان را درست کنید. که «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا» ایمان داشته باشید. «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»^{۱۵} همه ی مردمی که روی کروی زمین هستند همه

۱۴ - نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶.

۱۵ - سوره عصر، آیه ۱-۲.

چه خبر دارند؟ یک وقت ممکن است زلزله بیاید، همین مثال زلزله مان بد نیست، این‌ها را از بین ببرد. همه در معرض خطر هستند. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا» مگر کسانی که در این خانه‌ی امن باشند، خانه امن چیست؟ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آن طوری که باید خدا را بشناسید. از طریق ائمه اطهار علیهم‌السلام از طریق اولیاء خدایی که با خدا در ارتباط هستند.

۷- تلاش برای فهم و درک قرآن

«إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ» قرآن را کسی می‌شناسد، کسی می‌فهمد که به او خطاب شده باشد. هر کسی قرآن را نمی‌تواند بفهمد. خدا لعنت کند بعضی‌ها را، من گاهی واقعاً

ناراحت می شوم حرف های بی معنای خودشان را می گویند
مغزِ قرآن و آن هایی که دارند قرآن را خوب معنا می کنند و
می فهند، آن ها را می گویند: پوست را نزد خران انداختیم. آن را
پوستِ قرآن می دانند همین ظاهر قرآن را. ظاهرِ قرآن حجت
است، هیچ جای قرآن پوست نیست هیچ جای قرآن هم مغز
نیست. همش در نزد رسول اکرم صلی الله علیه وآله، همش مغز
است، همش معنا است، همش فهم است، همش درک
است، همش علم است و هر کس به آن ها متصل باشد قرآن را
می فهمد. بیایید از همین ظاهر قرآن از همین مقداری که در
ظرف دو سه سال من از شما تقاضا کرده ام که بخوانید و
مطالعه کنید، از همین ها تمام سعادت شما را من برایتان
بیان کنم، نه از همه ی قرآن، از یک صفحه اش، از یک آیه اش،

همین «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^{۱۶} عمل صالح داشته باشید. عمل صالح چیست؟ نماز خواندن هست، یکیش نماز خواندن است، عمل صالح چیست؟ تو چه کسی هستی؟ یک حیوان، خب دقت کنید، یک حیوان چطور می شود صالح باشد؟ چه حیوانی باشد؟ اگر اسب باشد اسب صالح آن اسبی است که خوب بدود. اگر خیلی شیر می دهد چطور؟ نه اسب صالحی نیست. شیر اسب را می خواهیم چه کار کنیم؟ اگر یک گاو صالح را از شما پرسیدند چطور گاوی هست؟ آیا خوب بدود؟ از هر اسبی هم بهتر می دود. به چه درد می خورد؟ آن گاو باید شیر خوب

۱۶ - سوره کهف، آیه ۱۰۷.

بدهد. مرغ صالح چطور مرغی هست؟ چاق باشد و گوشتش را بشود استفاده کرد، هر روز تخم بکند. آدم صالح چطور آدمی هست؟ از نزد ما مردم یا از نزد خدا؟ از نزد ما مردم هر کس وزنه‌ی بیشتری بردارد، هر کس که در فوتبال توپ را طوری بزند که در هر دفعه وارد دروازه بشود؟ خدا را در نظر بگیریم، آیا ماها این طوری نیستیم؟ من شنیدم بعضی از اهل تزکیه نفس تا نصف شب می‌نشینند ببینند بالاخره چه کسی در بازی فوتبال برنده شد، تو صالحی؟ به خدا قسم تو آن گاوی هستی که خوب می‌دوی. یک پول هم به درد نمی‌خوری. اگر غیرت داریم بفهمیم. آدم صالح از نزد ما آن کسی است که اسمش را هم علم گذاشتیم مدارک عالیه علم را گرفته باشد و تو کوچه بازار بیکار راه برد! آن هم مخصوصاً

دختر. آدم صالح آن کسی است که این دستورات
امیرالمومنین علیه السلام که امروز برایتان خواندم عمل بکند
می گوید: نه، سه روز، چهار روز، ده روز، تا روز عاشورا وقت
دارید روی این مطالب فکر کنید اگر نتیجه غیر از این شد،
شما به من بگویید تو اشتباه کردی. با توجه به اینکه ما یک
زندگی ابدی هم داریم. البته اگر ایمان نباشد عمل صالح
خیلی فرق می کند، این هایی که می بینید عمل صالح را غیر
از آنچه خدا و پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام فرمودند صالح
می دانند، خوب می دانند، دارای مزیت می دانند، بهترین
می دانند، این ها بدانید که به عالم آخرت زیاد معتقد نیستند.

در قرآن در همان اوایل سوره بقره خدای تعالی می‌فرماید: «وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»^{۱۷} این خیلی مهم است، ماها یقین به آخرت نداریم. می‌گوییم: نقداً شکم‌مان سیر بشود خوب است، پولدار باشیم خوب است، زندگی‌مان مرتب باشد خوب است، عیناً آن بچه‌ای است که وارد کلاس می‌شود ۶ سال ۱۰ سال درس خوانده حالا می‌خواهد وارد جلسه‌ی امتحان بشود می‌گویند: یک ربع آقا بیشتر وقت نداری باید این امتحانات را بدهی، این در مدت یک ربع، من کجا بشینم؛ پهلوی چه کسی بشینم؛ روی چطور صندلی بنشینم؛ سقف این اتاق که ما داخل نشستیم چه شکلی هست؟ چه

۱۷ - سوره لقمان، آیه ۴.

رنگی هست؛ عمرش تمام می شود. غیر از این نیست؛
حواس تان را جمع کنید.

من اگر برایم ممکن بود و می دانستم با این کاریک عده از
خواب بیدار می شدند می رفتم دستشان را می بوسیدم،
پایشان را می بوسیدم، گریه می کردم؛ خواهش می کردم که از
خواب غفلت بیدار بشنوید. بیایم از خواب غفلت بیدار
بشویم اگر من اشتباه می کنم شما من را نصیحت کنید.

۸- اهمیت و برکات عزاداری امام حسین در دهه اول محرم

این ایّام، ایام بسیار مهمی است. بهار معنویت است؛ اول
سال است و اول محرم. دیشب دوست عزیزمان یک مطلب

خوبی ولو فرصت نداشتند خوب توضیح بدهند فرمودند که همان مطالب سبب شد که من تشویق شدم که هر شب ان شاء الله مجلسی در منزل به عنوان عزاداری باشد. فرمودند: آخر سال عید غدیر را گذاشتند، دوازده روز هم فرصت دادن و اول سال هم امام حسین علیه السلام را گذاشتند و دوازده روز به شما فرصت دادند به نام دوازده امام، چکار کنیم؟ عزاداری کنیم؟ عزاداری ولو اینکه همه عزاداری ها تا زمان اوّل غیبت کبری به نظر نمی آید جز پوسته ای چیز دیگری باشد، ظواهری؛ سینه زدن ها، به سر و صورت زدن ها؛ مجالس عزاداری برپا کردن ها؛ کم بین آن ها واقعیت پیدا می شود، ولی چقدر همان پوسته برکاتی داشته. آن شخص می گوید: در کرمانشاه در مجلس ما از آن شخصی که از اولیاء خدا بود

پرسیدم که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف در مجلس ما تشریف می آورند؟
گفت: پرسم؛ تشریف ظاهراً برایش حاصل شده بود؛ گفته بود:
تشریف می آورند حضرت می آیند می نشینند مجالس شما را
عزاداری می کنند. این ها همه پوسته هست باطنش یک چیز
دیگری هست من دلم می خواهد شماها به باطن آن برسید
این ده روز خیلی مهم است. سید بحر العلوم را می بینند
مرجع تقلید آن آقای که هنوزم نام مقدسش سر زبان های
منتظرین امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف هست، می بینند یک دفعه لباسش
را کند و رفت بین سینه زن ها مشغول سینه زدن شد، از ایشان
می پرسند: آقا چه شد؟ گفت: دیدم اقام شرکت کرده بودند
من هم دیدم خلاف ادب هست که من وارد نشوم. این پوسته
است، پوسته ی عزاداری است. پوسته عزاداری است که

انقلابِ ما را تقریباً بوجود آورد، من خودم بودم شما اکثراً شاید سنتان ایجاب نکند که بوده باشید، عُمده‌اش در ایام محرم کار پیش برد. این وضعی که الان می‌بینید هنوز مردم این طور داغ هستند و این طور در این برف و سرما در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کنند این مالِ امام حسین علیه السلام است.

در سال ۱۳۴۱ که امام دستور داده بودند که بدی‌های خاندان پهلوی را بیان کنید خیلی هم قدرت داشتند آن موقع چون بعد از او تقریباً تا سال ۵۷ شاه روی کار بود و به قدرت فوق‌العاده‌ای هم رسیده بود، حُب من هم مجلسی در تهران داشتم همش راجع به این مسأله، اسمم می‌برد، آمدند ما را هم بگیرند پیدایمان نکردند و با مرحوم شهید هاشمی‌نژاد بودیم. ایشان را گرفتند، این طوری بود. عزاداری ابا عبد الله

الحسین علیہ السلام، ۱۵ خرداد آن سال ۱۲ محرم بود، که بعد آن طیب و دوستانش را گرفتند و اعدام کردند و بعد حدوداً شاید هفتاد هشتاد نفر از علماء بزرگ همه جا را بردند زندان، همش مربوط به ابا عبد الله الحسین علیہ السلام است، من باز می‌گویم: پوسته است بروید تو عمقش ببینید چه می‌کند، این کتاب در محضر استاد یک گوشه‌ای از کربلا و عزاداری بر سید الشهدا علیہ السلام را من توضیح دادم. خیلی قدر بدانید کوشش کنید ان شاء الله همه در هر مرحله‌ای که هستند زیارت عاشورا را هر روز بخوانند و با توجه هم بخوانند به این ترتیب که عرض می‌کنم، اتفاقاً دیروز این کتاب صدف را دیدم روایت هم از امام صادق علیہ السلام است از بابِ باصطلاح، در مستحبات به سند هم زیاد لازم نیست توجه کنید، همین قدر نقل شده

باشد که از امام صادق علیه السلام هست بس است. امام صادق
علیه السلام می فرماید: اگر این طوری زیارت عاشورا را بخونید که صد
 لعن و صد سلامش به خورده ای طول می کشد، در صد لعنش
 یک دفعه بگوید: «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَآخِرَتَابِعَ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي
 الَّذِينَ جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى
 قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً»^{۱۸} و بعد از این یک دفعه این طوری
 خواندید بعد از این ۹۹ مرتبه بگویید: «اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً،
 اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً،...» خیلی زود تمام می شود و در سلامش
 هم یک مرتبه بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى

۱۸ - مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

الْأَزْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا
 بَقِيَْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي
 لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى
 أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ» یک دفعه این طوری
 بخوانید و ۹۹ مرتبه بعد از آن بگویید: «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ
 الْحُسَيْنِ» این همان ثواب را به شما می دهند. حُب این کار،
 کارِ آسانی هست شاید مجموعاً یک ربع بیشتر طول نکشد و
 نباید من بگویم کم طول می کشد. این را برای افراد تنبل
 می گویم و الا ساعت ها، سال ها انسان در مقابل ابی عبد الله
 الحسین علیه السلام نشسته باشد و به آن چهره ی مبارک، به آن
 چهره ی مبارکه ی پرمعنویت نگاه بکند و بگوید: «السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ» فِدَاتِ بِشَوِيمِ آقَا «قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوكَ
وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمُوكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ
الْفُرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

«نَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ وَنَدْعُوكَ بِأَعْظَمِ اسْمَائِكَ وَبِمَوْلَانَا صَاحِبِ
الزَّمَانِ يَا اللَّهُ وَيَا اللَّهُ وَيَا اللَّهُ وَيَا اللَّهُ...» خدایا به آبروی
ابی عبدالله الحسین گناهانی که در سال گذشته کرده ایم
اشتباهاتی که کرده ایم همه را ببخش و بیامرز. به آبروی
ابا عبدالله الحسین خدایا قسمت می دهیم فرج فرزندش را در
این سالِ نو به ما مرحمت بفرما. پروردگارا ما را در این ماه به
عزاداری ابی عبدالله الحسین موفق بفرما. خدایا ما را از یاران
خوبِ حضرت ولی عصر قرار بده. خدایا اگر ما در کربلا بودیم
بعید بود که از اصحاب عمر سعد بشویم حال که آنجا از

اصحاب سیدالشهدا نبودیم خدایا ما را از اصحاب حضرت
بقیه الله قرار بده. پروردگارا قلب مقدسش را از ما راضی بفرما.
دین و دنیا و آخرت مان در پناه امام زمانمان حفظ بفرما.
خدایا مرض های روحی مان شفا عنایت بفرما. توفیق تزکیه
نفس به همه مان عنایت بفرما. خدایا سال جدید را برای
همه مان مبارک قرار بده. پروردگارا به آبروی حجة بن الحسن
قسمت می دهیم مریض های بدنی اسلام را شفا مرحمت
بفرما. مریض منظور الساعه لباس عافیت بپوشان. اموات مان
غریق رحمت بفرما. خدایا هر کس به این مملکت به مردم
این مملکت به شیعیان خدمت می کند در پناه امام زمان
حفظش بفرما. خائنین را اگر قابل هدایت نیستند ذلیل بفرما.

عاقبت امرمان ختم بخير بفرما. «وَعَجِّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا
صَاحِبِ الزَّمَانِ»